

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۵ مارچ ۲۰۱۸

## روحانی، درست است و همه با هم غرق خواهید شد

رئیس جمهور "محبوب و معتدل" ایران، همه فکر و ذکرش، به عاقبت نظام است. اعتراضات دی‌ماه [جدی] امسال، کلافه‌اش کرد و به موازات آن جنگ و دعوایش هم با دیگر عناصر و جناح‌های نظام افزایش یافته و در این میان یکی دیگری را مسؤول نابسامانی‌های جامعه و تعرض به معیشت مردم معرفی می‌کند. در حقیقت هر یک از آنان در تلاش‌اند تا گلیم خود را از آب بیرون بکشند و خود را به‌عنوان عنصر و یا جناح وفادار به‌منافع مردم معرفی کنند. داستان و حکایت عناصر وابسته به نظام از آغاز تاکنون، داستان و حکایت "آی دزد، آی دزد..." شده است. خلاصه داستان و حکایت مسخره‌ایست و این جانیان درک کرده‌اند که مردم در مقابل آنان - و آن‌هم - با تمام وجود، به صف شده‌اند و در انتظار باز پس‌گیری اعمال جنایت‌کارانه چندین دهه‌شان‌اند. دلیل آن روشن است، چرا که چیزی برای مردم باقی نگذاشته‌اند و جامعه را به‌کمک هم‌دیگر، به فساد و به تباهی کامل کشانده‌اند. دست بردار هم نیستند و با چنگ و دندان، در فکر دوام بیش از این نظام‌اند. حاضر به پس زدن دوستان و یاران‌شان‌اند، اما راضی به صدمه خوردن نظام نیستند. البته این از زمره خاصیت نظام‌های طبقاتی همچون نظام سرمایه‌داری وابسته ایران است.

در هر صورت جامعه در این چندین دهه، شاهد جنگ و جدل‌های لفظی - عملی و رفتن و آمدن عناصر متفاوت نظام بوده است و دیده شده است که، چگونه نظام، دوره و عمر سیاسی هر یک از عناصر و یاران سرمایه را - و آن‌هم بنابه مصلحت روزگار -، به سر، و به اتمام رسانده است، اما راضی به‌مخاطره انداختن موقعیت و منافع طبقه در مقابل مطالبات پایینی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی نیست. رمز و رازی در کار نیست، استفاده از زور عربان و عنان گسیخته، به طبقه حاکمه، مجال چهار دهه داده است. در این چهار دهه نظام جمهوری اسلامی علی‌رغم اتخاذ سیاست‌های مذبحخانه و با به‌میان کشاندن جناح خوب و بد در درون جامعه، نتوانسته است، از اوضاع در هم ریخته سیاسی درون حاکمیت بیرون بدر آید. به عبارت دیگر باید گفت که وضع سیاسی مدافعان نظام، بسیار درب و داغان، بغرنج و بُحرانی‌ست. حکومت‌مداران در این مدت جناح راست را به‌عنوان مدافع حقوق انسانی بر سر کار گذاشتند، مردم به مخالفت با آن برخاستند؛ دولت اصلاح‌طلب را به‌منظور سوپاپ اطمینان بیشتر، به جامعه تحمیل نمودند، باز هم کار نکرد؛ دولت به‌اصطلاح مبارزه با مفساد اقتصادی را بر سر کار آوردند، اوضاع بدتر از گذشته شده است و بالاخره، مابین اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، جناح "معتدل" را علم کرده‌اند تا شاید اوضاع سیاسی و در هم ریخته نظام را، سر و سامان دهد، این هم جواب نداد و مردم در ابعادی گسترده‌تر در صحن جامعه حضور

یافته‌اند و خواهان حقوق پایمال شده‌شان از دولت‌مردان نظام شده‌اند. در حقیقت اوج تنفر و انزجار مردم نسبت به جناح‌ها و دولت‌های متعدد نظام را می‌شد در دوره‌های متفاوت و به ویژه در تظاهرات وسیع مردم در دی‌ماه [جدی] امسال، به‌عینه دید.

براستی که اعتراضات اخیر، دمار از روزگار دولت‌مردان و دیگر مدافعان نظام در آورده است و دیده شده است که چگونه یاران وفادار به طبقه سرمایه‌داری، به‌دست و پا افتاده‌اند و دائماً، در پی، پند و اندرز به هم‌نوعان خود در مقابل موج اعتراضات مردمی‌اند. نمونه نگرانی‌ها و دست و پا زدن‌های سردمداران نظام را می‌توان در جلسه هیأت دولت به ریاست «حسن روحانی» - و به‌تاریخ هجدهم اسفند [حوت] - دید. «روحانی» در این جلسه تأکید نموده است: «ضربه به دولت، ضربه به نظام است، بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر دولت تضعیف شد، نهادهای دیگر تقویت می‌شوند، این‌طور نیست؛ ما امروز در یک کشتی نشسته‌ایم و اگر بخشی از کشتی تخریب شود، همه کشتی با هم غرق می‌شود».

«حسن روحانی» برای یکبار هم که شده، راست گفته و از دروغ‌گوئی فاصله گرفته است. چرا که پی برده است از منظر مردم، همه آنان، سر و ته یک کرباس‌اند؛ پی برده است که وی را تحت عنوان عنصر "معتدل" به وسط انداخته‌اند و بادیان کشتی ترک برداشته و زوار در رفته را به دستش داده‌اند، تا از غرق شدن زود هنگام نظام جلوگیری به عمل آورد؛ فهمیده است که حنای جناح‌های رنگارنگ نظام، رنگ باخته است و مردم کمترین گوش شنوا و توجهی به اصولگرایان، اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و رنگ‌های سبز و امثالهم ندارند. به اشکال گوناگون مخالفت‌ها و نه مردم، نسبت به جناح‌های متفاوت نظام را در این چندین دهه دیده‌اند و به‌دنباله و همین چند وقت قبل بود که، زنی در اعتراضات دی‌ماه [جدی] امسال به آخوندی که از وی پرسیده بود، شما چه می‌خواهید، پاسخ داده بود که: "ما از شما چیزی نمی‌خواهیم، فقط بروید، گورتان را گم کنید".

این خواست قلبی و باطنی مردم از منادیان سرمایه و جناح‌های رنگارنگ نظام است. مدت‌هاست که مردم زنگ به زیر کشیدن دولت‌مردان و حکومتی‌بان نظام جمهوری اسلامی را به‌صدا در آورده‌اند و با تمام وجود، در پی غرق کردن همه سرنشینان کشتی جنایت‌بار نظام‌اند. تأکیدها و دانسته‌های دولت‌مردان هم، پیرامون افکار و عکس‌العمل مردم نسبت به دیگر نهادها و ارگان‌های وابسته به نظام، درست و حقیقی‌ست. رئیس دولت فعلی به‌همراه دیگر یاران نظام، صدای رسای اعتراضات رادیکال را شنیده است و به‌دنباله هم به "ولایت فقیه" هشدار داده است: "اگر نارضایتی‌های مردم را نادیده بگیرد، سرانجامی هم‌مانند سرانجام شاه در انتظارش خواهد بود".

باری، این نگاه و افکار پائین‌دستان نسبت به بالادستان است و در ادامه خیابان‌های ایران، به‌دلیل التهاب سیاسی بسیار بالای جامعه، هر آن، آماده اعتراضات وسیع‌تر و گسترده‌تر مردمی‌ست. بی‌دلیل هم نیست که «عبدالرضا فضل‌رحمانی»، وزیر کشور در دو مصاحبه جداگانه با روزنامه‌های همشهری و ایران چاپ تهران، در تشریح دلایل و ریشه ناآرامی‌های دی‌ماه [جدی] گفته است: "عوامل نارضایتی هنوز از بین نرفته و یک جرعه کافی است تا شعله‌ور شود".

به طور قطع چند نمونه فوق، گواه این مدعاست که، هم تنش سیاسی جامعه شدیدتر و رادیکال‌تر شده است، و هم تب و لرز سیاسی سردمداران متفاوت نظام بالا رفته است، در این‌میان بعضی از آنان و ریاکارانه از بی‌عدالتی‌های موجود در درون جامعه، و همچنین از عدم انطباق خواست مردم با خواست مسؤولین حکومتی - دولتی، حرف به میان می‌آورند!! واقعیت این است که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی چهار دهه آزرگار، مردم را در بدترین موقعیت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی قرار داده‌اند؛ چهار دهه آزرگار، اموال عمومی را بالا کشیده‌اند و مردم را از بدیهی‌ترین نیازهای زنده‌گی محروم کرده‌اند؛ هزاران کودک را از رفتن به سر کلاس‌ها باز داشته‌اند و وارد میادین ناامن جامعه نموده‌اند؛ میلیون‌ها فارغ‌التحصیل را، به سمت ارتش بی‌کاران هل داده‌اند و این‌روزها، از بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه و از

نداری مردم می‌گویند! یکی دو تا نیستند و «احمدی‌نژاد» هم در چنین زمانه‌ای، به‌یک‌ی از پرچمداران "دفاع از حقوق مردم" و از جمله ایرادگیران جناح‌های رقیب دولتی - حکومتی تبدیل گردیده است. وی در سخنرانی عصر روز جمعه - به‌تاریخ هجدهم اسفند ماه [حوت] - در «مسجد سلطان آباد تهران» گفت: «جمهوری اسلامی برپا شده است که آزادی مردم را تأمین کند و یاور مردم در برپائی عدالت باشد. اگر جامعه شاهد فقر و بیکاری قشرهای وسیعی از جامعه از یک‌سو و برخورداری نامحدود عده‌ای قلیل از سوی دیگر است، ناشی از آن است که در پیشگیری و انجام این دو مأموریت موفق نبوده‌ایم.» و در ادامه می‌گوید: «به بهانه این‌که، اعتراض به ظلم‌ها و نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، موجب تضعیف نظام است، طی چند دهه به روش‌های گوناگون از اعتراض به اشتباه‌کاری‌ها و تصمیمات غلط و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شده است و این منجر به توسعه اشکالات گردیده است. مقامات جمهوری اسلامی و همه تصمیم‌گیران باید خود را با خواست مردم تطبیق دهند. اگر کسانی در مناصبی باشند. هر جای ایران بروید مردم از سه قوه ناراضی هستند، دیگر چگونه باید اعلام شود؟»

مضحک است و به‌باور «احمدی‌نژاد» جمهوری اسلامی آمده بود تا آزادی مردم را تضمین کند و یاور مردم در برپائی عدالت باشد!! نظام آزادی‌طلبی که، مولد سندیج خونین در نوروز پنجاه و هشت بود و صدها تن را بدون محاکمه و آن‌هم با دستان و چشمان بسته، به گلوله بست؛ نظام مردمی که دست به تعرض و کشتار مردم ترکمن‌صحرا زد؛ مدافعان عدالتی که حادثه قارنا، قلمتان و ... را آفریدند، که متأسفانه گذشت زمان نه تنها کمکی به دردهای خانواده‌های جان‌باختگان آن سال‌ها و دهه‌ها نکرده است، بلکه همچنان، چون کابوسی دهشتناک، بر ذهن و بر جسمشان سنگینی می‌کند. گفتنی‌ست که پای‌بندی به محتوای آزادی و عدالت، با فرهنگ نظام جمهوری اسلامی بیگانه - بوده و - است؛ چرا که این نظام را بر سر کار گمارده‌اند تا دایره آزادی‌های نیم‌بند بعد از سرنگونی شاه را، محدودتر و تنگتر نماید و بر دامنه بی‌عدالتی‌های درون جامعه بیفزاید. خوش‌بختانه مدت‌هاست که هم فضای جامعه تغییر کرده است، و هم نظام، قادر به برقراری روابط و مناسبات دهه شصت و هفتاد نیست. در پرتو چنین تغییرات و با اوج‌گیری روزانه نارضایتی مردم از سه قوه نظام است که، جامعه شاهد عروج و بازتولید "مخالفانی" همچون «احمدی‌نژاد» می‌باشد.

براستی کسانی - این‌روزها - مدعی برقراری عدالت اجتماعی در درون جامعه‌اند و به‌هواداری از حقوق مردم برخاسته‌اند که در پرونده سیاسی‌شان، پُر از جنایت، پُر از بالا کشیدن اموال عمومی، پُر از مثله نمودن بدن مخالفان در درون زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی، پُر از به تباهی کشاندن زندگی کودکان و گستردگی فقر، نداری و بی‌کاری بیش از پیش میلیون‌ها انسان دردمند است. گویا «احمدی‌نژاد» هم به‌مانند رئیس‌جمهور فعلی نظام، "عافل" شده است و بُو بُرده است که، فاصله کشتی نظام به قعر دریا، روز به روز، کم و کمتر می‌شود. در فکر بیرون انداختن خود از کشتی ترک برداشته و زوار در رفته نظام است، به‌همین سبب بر تقلای خود افزوده است و حساب خود را، با دیگر مسئولین دولتی - حکومتی جدا می‌کند. ریاکار است و زمان زیادی از ارتکاب جنایات ددمنشانه‌اش در حق مردم نگذاشته است و در این‌میان، مردم هم از یاد نبرده‌اند که چگونه وی هشت سال به‌طور مستقیم، در به‌خاک و خون کشاندن میلیون‌ها انسان رنج‌دیده انجام وظیفه نموده است و به‌عنوان مسببان و عاملان تخریب جامعه، و همچنین به‌عنوان دست‌اندرکاران و مسئولین بالای نظام، در تنگدستی هر چه بیشتر زندگی کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان، کودکان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی، نقش مهم اساسی داشته است؟

بدون کمترین تردیدی پوشه همه مسئولین و دست‌اندرکاران نظام از آغاز تاکنون، بر روی میز عدالت قرار دارد و خلاف جنایت‌کارانی همچون «روحانی» و «احمدی‌نژاد»، عدالت و قضاوت تاریخی را نمی‌توان به بازی گرفت. حسابرسی در کار است و باید مسؤلیت اعمال کثیف خود را پذیرفت و تاوان همه آنان را باز پس داد. راه فراری نیست

و موج سواری در دوران انقلاب، و در دوران بالا آمدن پتانسیل مبارزاتی و افکار پیشرونده مردمی ناممکن می‌باشد. انقلابات به وقوع پیوسته در اقصا نقاط جهان، نمایانگر این واقعیات است، جانیانی که در دوران زمامداری‌شان، فکر و ذکرشان در تاراج اموال عمومی و در تعرض به معیشت زندگی سازندگان اصلی جامعه بوده است، در تندپیچ‌ها و در دست‌اندازهای مبارزاتی گیر خواهند کرد و قادر به گریز از اجرای عدالت اجتماعی نخواهند بود. همه مقامات و تصمیم‌گیران چندین دهه نظام، در هر رده و منصبی، و آن‌هم در فردای انقلاب، مورد بازخواست و محاکمه قرار خواهند گرفت، تا هم جامعه بر میزان و بر عمق جنایات ارتكابی‌شان آگاه گردد، و هم، هر آنچه را که انجام داده‌اند باز پس دهند. انقلاب حقیقی یعنی تصفیه حساب‌های طبقاتی؛ یعنی برگرداندن و سمت و سو دادن عدالت اجتماعی، به مسیر راستین و بالنده؛ یعنی پس زدن همه منفعت‌طلبان و سودجویان در عرصه‌های متفاوت جامعه؛ یعنی برگرداندن قدرت به دستان توانمند یگانه طبقه تا به آخر انقلابی؛ طبقه‌ای که نه به فکر خویشتن، بلکه همه فکر و ذکرش، در باروری جامعه، و همچنین در تضمین آرامش و آسایش، و زندگی بهتر سازندگان اصلی جوامع بشری است.

۱۴ مارچ ۲۰۱۸

۲۳ اسفند [حوت] ۱۳۹۶